

Sociological explanation of factors pertaining to delinquency among students in Tehran in social networks

Mansoore Fasih ramandi, Faculty member of the research institute of culture, art and communication.
Email: fasih@ricac.ac.ir

Abstract

Crime and deviant behavior like the norm are acquired in a platform of interactions and relationships. Moreover, today, social networks as one of these platforms could have found many fans from various age groups affecting them. Considering the sensitivity of their position due to being in childhood and adolescence, students are among the most vulnerable groups subjected to the social networks. This research aimed at investigating the causes that make students tend to commit a crime and deviant behavior in social networks. The statistical population includes students living in Tehran out of 2,422,905 subjects in the age group of 7 to 18 years, selected using the cluster sampling method. This research was performed through quantitative method and data was collected through a survey. Furthermore, in order to collect the required information, a questionnaire with 30 items with 5 options was used (the validity and reliability of the questionnaire was verified by face validity method, confirmatory factor analysis and Cronbach's alpha). The data was analyzed using SPSS statistical software. The results demonstrated that there is a significant correlation between lifestyle, how long use virtual space in free time, and on the other hand, the parental control over delinquent behaviors. In addition, the students' awareness with regard to rules and regulations is effective in their less inclination to commit delinquency and deviant behavior.

Keywords

Social networks, Students, teenagers, delinquency, Deviant behavior.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تبیین عوامل مرتبط با تمایل به بزهکاری در شبکه‌های اجتماعی بین نوجوانان دانش‌آموز (مطالعه موردی: دانش‌آموزان مناطق پنج‌گانه تهران)

منصوره فصیح رامندی^۱

چکیده

بزه و رفتار انحرافی، همانند هنجار در بستری از تعاملات و ارتباطات آموخته می‌شوند و امروزه شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از این بسترها توانستند، طرفداران زیادی در گروه‌های سنی مختلف پیدا کنند و آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. دانش‌آموزان با توجه به حساسیت جایگاهشان به‌واسطه قرار داشتن در دوران کودکی و نوجوانی از جمله آسیب‌پذیرترین گروه‌ها در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی هستند. هدف پژوهش حاضر، بررسی علل تمایل نوجوانان دانش‌آموزان به ارتکاب بزه و رفتار انحرافی در شبکه‌های اجتماعی است. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان ساکن شهر تهران و براساس آمار ۲/۴۲۲/۹۰۵ نفر در رده سنی هفت تا هجده سال در نظر گرفته شد که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. روش این تحقیق کمی بوده و داده‌های آن از طریق انجام یک پیمایش گردآوری شده است. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه حاوی سی سؤال پنج‌گزینه‌ای (روایی و پایایی آن از روش اعتبار صوری، تحلیل عاملی تأییدی و آلفای کرونباخ تأیید شد) استفاده شد. اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان می‌دهد که همبستگی معناداری میان سبک زندگی، به معنای میزان استفاده از فضای مجازی در اوقات فراغت و ازسوی دیگر میزان کنترل والدین با رفتار بزهکارانه وجود دارد. همچنین میزان آگاهی دانش‌آموزان نسبت به قوانین و مقررات در تمایل کمتر آنان برای انجام بزه و رفتار انحرافی مؤثر است.

واژگان کلیدی

بزهکاری، دانش‌آموزان، رفتار انحرافی، شبکه‌های اجتماعی، نوجوانان.

رسانه‌ها به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی، کارکرد انتقال میراث فرهنگی- اجتماعی و ارزش‌های جوامع را بر عهده دارند و در عصر کنونی با توجه به نقش مهمی که در جامعه و موضوع‌های فرهنگی و اجتماعی ایفا می‌کنند، سعی دارند الگوهای نوینی را بر جوامع تحمیل کنند. به عبارتی، در دوران معاصر که به عصر اطلاعات، جامعه اطلاعاتی و ارتباطی معروف است، بخش عظیمی از فرهنگ‌پذیری نسل‌ها از طریق رسانه‌های مختلف به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود (فرامزانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۴). شبکه‌های اجتماعی به‌منزله رسانه همیشه و همه‌جا حاضرند و با توجه به توانمندی‌های بالقوه و بالفعل گسترده خود به‌سرعت در جامعه ما و در میان نسل نوجوان در جهت پیشبرد اهداف و مقاصدشان در حال گسترش هستند. گسترش سریع و فراگیر و همه‌جانبه شبکه‌های اجتماعی، باعث تغییرات فرهنگی و اجتماعی بوده است؛ به این معنی که افراد نه‌تنها از این فن‌آوری برای پیشبرد اهدافشان استفاده می‌کنند، بلکه فن‌آوری نیز افراد را منطبق بر قواعد خاص و نحوه عملکرد خود تغییر می‌دهد (رسول‌زاده‌اقدم و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲). پس شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان زبانی رایج در میان همه گروه‌های سنی جامعه به‌ویژه قشر نوجوان شناخته شده‌اند و قطع نظر از محاسنی که این رسانه نوین برای کاربران خود دارد، آسیب‌هایی را نیز به دنبال خواهد داشت؛ چراکه ویژگی‌های ارتباطات الکترونیک در شبکه‌های اجتماعی، شرایط متفاوتی با روابط مقابل برای کاربران فراهم می‌کند. سرعت عمل، ناشناس ماندن و... فضای یکسان و مشابهی را فارغ از الزاماتی چون جنسیت، طبقه، قوم و نژاد فراهم می‌کند که تجارب متفاوتی را برای کاربران به‌ویژه در سطح نوجوان ایجاد می‌شود. این فضا برای نوجوانان که در آغاز هزاره سوم و در زمانه شکوفایی فناوری اطلاعات و ارتباطات، دوران رشد و تکوین شخصیت را طی کرده‌اند به‌عنوان زیستگاه اول شناخته می‌شود؛ تا جایی که فرایند اجتماعی شدن در این محیط و زیست سایبری آن‌ها، حتی ارزش‌ها و هنجارهای زندگی را در نظر آنان تغییر داده است. چگونگی استفاده دانش‌آموزان به‌عنوان طبقه نوجوان از فضای مجازی و در فضای اینترنت، یکی از نگرانی‌های عمده سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی است، با توجه به اینکه نسل نوجوان بیشترین دسترسی به اینترنت دارند. تحقیقات نشان می‌دهد در ایران، نوجوانان برخلاف زیاد بودن نسبی قیمت اینترنت به‌طور روزافزون به آن دسترسی دارند. پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان سال ۱۳۹۲ نشان داد که حدود دوسوم (۶۸/۳ درصد) نوجوانان ۱۹-۱۵ ساله از اینترنت استفاده کرده، ۲۱/۰۵ درصد مصرف روزانه

تبیین عوامل مرتبط با تمایل به بزهکاری در شبکه‌های اجتماعی[...]

داشته، ۱۹/۴ درصد چت کرده و ۱۱/۶ درصد ارتباط با جنس مخالف داشته‌اند. درحالی‌که فقط ۲/۲ درصد در اینترنت به دنبال کسب اطلاعات عمومی و بهداشتی هستند. بالغ بر ۷۱ درصد نوجوانان ۱۹-۱۵ ساله مصرف زیاد از فیلترشکن را گزارش نمودند (مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۲).

در بیشتر موارد، پسران نوجوانی که در خلوت خود و از طریق فضای سایبر به خصوص شبکه‌های اجتماعی، شیطنت‌های نوجوانی را به فضای مجازی منتقل نموده و دیگران را به شیوه‌های مختلف در معرض آزار و جرم قرار می‌دهند، موجب شکل‌گیری الگوی جدیدی از بزهکاری هستند که نه تنها برای والدین خود، بلکه در موارد متعددی برای دستگاه عدالت کیفری نیز کنترل‌ناپذیر می‌شوند. در مقابل نوجوانان دختر نیز به جهت تحقق بسیاری از زمینه‌های وقوع بزه در معرض جرایمی همچون مزاحمت، اخاذی و جرایم جنسی قرار می‌گیرند تا جایی که گفته می‌شود برای بزهکارانی که به دنبال سوءاستفاده جنسی از دختران هستند، فضاهای تعاملی نظیر «شبکه‌های اجتماعی» که قابلیت حضور آنلاین و دسترسی مکرر به بزه‌دیده در آن‌ها وجود دارد، جایگزین تفریحگاه‌ها شده است. بدین ترتیب، نوع جرم در برخی از انواع جرایم «علیه شخصیت معنوی» که اغلب توسط «پسران نوجوان» و علیه «دختران نوجوان» صورت می‌گیرد، تصاعدی در حال افزایش است (هنسون، ۱۳۹۳: ۳۶۵).

با این وجود، فضای مجازی به فضایی دامن زده است که همسو با قابلیت‌ها و ویژگی‌های خاص خود، تمایل نوجوانان به ارتکاب انحراف و بزه از سویی و بزه دیده شدن از سوی دیگر، تسهیل و تشدید نموده است. در ایران، مطابق با آمار پلیس فتا از سال ۹۰ تا ۹۷، جرایم سایبری ۹۰٪ رشد داشته است. درحالی‌که از سال ۹۰ تا ۹۴ بیشتر جرایم علیه اموال بوده است از سال ۹۴ با گسترش کاربران فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، آهنگ رشد جرایم مزاحمت‌محور و منافی عفت، بیش از دیگر جرایم رشد داشته است. به گونه‌ای که در سال ۹۵ برای اولین بار جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی بیشترین سهم را از میان جرایم فضای مجازی به خود اختصاص داده و بنابر گزارش پلیس فتا ۸۹٪ از جرایم مذکور از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت گرفته است. در این میان ۸۴٪ بزهکاران مرد بودند (کردعلیوند و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۹۰). نکته جالب توجه آنکه ۶۷٪ کل بزهکاران فضای مجازی در ایران، کمتر از ۲۵ سال سن داشته‌اند. همچنین عامل‌های سن و جنسیت از حیث تأثیر در میزان بزه‌دیدگی ادغام شده‌اند و اکثر بزه‌دیدگان سایبری در جرایم منافی عفت را دختران نوجوان تشکیل داده‌اند. از همین رو به دلیل اینکه این فناوری

موجب پدید آمدن عمیق‌ترین تغییرات در عرصه مسائل اجتماعی مرتبط با نوجوانان بوده و آثار حقوقی خاصی به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین هر نوع چاره‌اندیشی در جهت کنترل و حتی پیشگیری از وقوع زمینه‌های بزهکاری، منوط به علت‌شناسی در این خصوص است. در این راستا، تحقیق حاضر در تلاش است ابعاد و چرایی تمایل نوجوانان دانش‌آموز به انحراف و بزهکاری در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، حتی آماج جرم قرار گرفتن آنان در این فضا را مطالعه و بررسی کند. براساس چنین ضرورتی در این مقاله تلاش شده به این پرسش، پاسخ داده شود که علل تمایل دانش‌آموزان به بزه و رفتارهای انحرافی در شبکه‌های اجتماعی چیست؟ چارچوب نظری این تحقیق ترکیبی از نظریه کاشت و یادگیری اجتماعی است که قائل به تأثیرگذاری محیط بر تمایل به انجام بزه و رفتار انحرافی از سوی فعالان انسانی است.

فرضیه‌های پژوهش

- میزان استفاده از فضای مجازی در اوقات فراغت با تمایل به ارتکاب رفتار بزهکارانه در شبکه‌های اجتماعی رابطه معنادار دارد.
- میزان آگاهی و شناخت از فضای مجازی با میزان تمایل به ارتکاب رفتار بزهکارانه در شبکه‌های اجتماعی رابطه معنادار دارد.
- میزان کنترل خانواده با تمایل به ارتکاب رفتار بزهکارانه در شبکه‌های اجتماعی رابطه معنادار دارد.
- ویژگی‌های جمعیت شناختی همچون سن، جنس، مقطع تحصیلی و درآمد خانواده دانش‌آموزان با تمایل به رفتار بزهکارانه در شبکه‌های اجتماعی رابطه معنادار دارد.

پیشینه پژوهش

از زمان ورود اینترنت به زندگی اجتماعی انسان کارکردها، کژکارکردها و پیامدهای آن مورد توجه پژوهشگران رشته‌های مختلف علوم انسانی قرار گرفته است. در اینجا به نمونه‌هایی از این تحقیقات اشاره می‌شود و سپس برای رسیدن به چهارچوبی نظری گذری به مهم‌ترین رویکردها موجود در این زمینه خواهیم داشت.

نتایج تحقیق فرهمند (۱۳۸۷) با عنوان «دختران و کاربرد اینترنت» حاکی از آن بود که تهدید هویت دختران، اعتیاد، فرهنگ‌پذیری، درگیری در عشق‌های مجازی و سوءاستفاده‌های جنسی، تهدیدهای جدی برای کاربران دختر در اینترنت است. سبحانی‌نژاد

تبیین عوامل مرتبط با تمایل به بزهکاری در شبکه‌های اجتماعی [...] |

و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش «چالش‌ها و کارکردهای فرهنگی و اجتماعی تلفن همراه و راهکارهای اصلاح آن» به این نتیجه رسیدند که پیامدهای نامناسب تلفن همراه شامل اعتیاد روانی، تزلزل ارزش‌ها، کاهش تعاملات اجتماعی، ظهور تخلفات سایبری، رد و بدل کردن پیامک‌های غیراخلاقی است. براساس تحقیق اطهری و یغموری (۱۳۹۵) با عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تعاملات اجتماعی نوجوانان» شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام بر تعاملات اجتماعی نوجوانان دختر مدارس غیرانتفاعی آموزش و پرورش منطقه یک تهران، تأثیرگذار هستند. راهگشا و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «پیشگیری رشد مدار از بزهکاری کودکان و نوجوانان در فضای سایبر» بر نقش نهادهای مسئول در ایجاد ساختار پیشگیرانه و تبیین مهم‌ترین عوامل در تحقق پیشگیری رشدمدار، پرداخته‌اند. بر مبنای پژوهش «نقش شبکه‌های اجتماعی موبایلی در وقوع انواع جرایم اخلاقی» عبدالرحمانی و همکاران (۱۳۹۷) معتقدند که گرایش به جرم چه اخلاقی و چه امنیتی به‌واسطه شبکه‌های اجتماعی تحت تلفن همراه، ممکن است به علل گوناگون یا حتی ناخواسته، مثلاً جست‌وجو در یافتن ارتباطات، دوستی‌ها، عشق‌های مجازی و... رخ دهد. خلیج‌آبادی فراهانی (۱۳۹۸) در مقاله «مواجهه با محتوای خارج عرف جنسی در فضای مجازی و تأثیرات رفتاری در نوجوانان تهران» تصریح می‌کند که مواجهه با محتوای جنسی در اینترنت، تأثیرات رفتاری عمیقی چون تمایل به ارتباط با جنس مخالف، تسهیل گفتمان جنسی، تضعیف رابطه والدین و فرزندان و... در پی خواهد داشت.

علی اکبری و نصیری زرنندی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر فضای مجازی بر آسیب‌های اجتماعی» به بررسی آسیب‌های اجتماعی ناشی از فضای مجازی و راهکارهای پیشگیری از آن پرداخته‌اند. نتیجه این مطالعه نشان از محبوبیت فضای مجازی به‌خصوص در بین نوجوانان و جوانان دارد و به‌دلیل گسترش و نفوذ روزافزون استفاده از این فضا در تعاملات اجتماعی، تولید محتوا، زمینه‌های شغلی و اطلاعاتی و... نمی‌توان تأثیر این ابزار را در خانواده و اجتماع نادیده گرفت؛ چراکه موجب ایجاد تغییراتی در نوع ارتباطات، هویت فرد و ساختار خانواده و... شده است. همچنین در این مقاله راهکارهایی برای پیشگیری از این آسیب‌ها ارائه شده است؛ تمرکز بر شناخت و برطرف کردن مشکلات نوجوان و جوانان، مقابله با ایجاد و نشر شایعه‌های برانداز، قانونمند کردن مقابله با جرائم سایبر، توسعه شبکه‌های اجتماعی مجازی بومی، آموزش و آگاه‌سازی خانواده‌ها، مراقبت و کنترل والدین، اولیای مدرسه و دوستان و همسالان است. علاوه بر آن، آگاه‌سازی مردم از طریق رسانه‌های مختلف به‌ویژه تلویزیون در کاهش آسیب‌های ناشی از این فضا نقش دارند.

در جمع‌بندی پیشینه تحقیق می‌توان گفت که اگرچه طیف گسترده و متنوعی از مطالعات و تحقیقات در خصوص تأثیرات شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بر نظام رفتاری نوجوانان با رویکردهای متفاوت انجام شده است، اما این تحقیقات بیشتر به صورت کلی بوده و رابطه‌هایی را میان نحوه استفاده نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی و تأثیرات آن بر رفتارهای انحرافی آنان را سنجیده است. اگرچه تحقیقات مذکور در تعیین یک‌سری تأثیرات با پژوهش حاضر شباهت‌هایی دارند، اما نوآوری که در این پژوهش صورت گرفته، تمرکز بر علت‌شناسی بزهکاری نوجوانان دانش‌آموز در شبکه‌های اجتماعی با محور خانواده و میزان استفاده از فضای مجازی در اوقات فراغت و تحلیل عوامل مؤثر بر آن بوده است.

مبانی نظری

بزهکاری به‌مثابه رفتار انسانی، عکس‌العمل فردی است که دارای ساختار فیزیکی مشخص و شرایط روانی و روحی خاص بوده است و ضمن تأثیرپذیری از آن‌ها به‌عنوان یک موجود اجتماعی از عوامل محیطی و خارجی نیز متأثر می‌شود. این اثرپذیری و اثرگذاری بدون شک به نسبت اشخاص مختلف فرق می‌کند. کودکان و نوجوانان در این رابطه بیش از افراد بزرگسال تحت تأثیر این عوامل قرار می‌گیرند و رفتارهای آنان به تبعیت علل و انگیزه‌های جسمی، روانی و اجتماعی متحول و متأثر می‌شوند. در واقع، بزهکاری در نوجوانان مجموعه‌ای عملی است که به‌وسیله قانون پیش‌بینی می‌شود و برای آن‌ها مجازات تعیین شده است. این تعریف دربرگیرنده تمام اعمال مجرمانه نوجوانان همانند بزرگسالان خواهد بود. کرسول^۱ بزهکاری را آن دسته از رفتارهایی می‌داند که افراد کمتر از هجده سال انجام می‌دهند و با آن‌ها قانون یا هنجارهای کشور را نقض می‌کنند (کروسول، ۱۳۸۶: ۵۸). نوع جرایم ارتكابی نوجوانان بنا به علل، انگیزه و کیفیت اعمال ارتكابی با بزرگسالان متفاوت است. معمولاً نوجوانان به‌صورت اتفاقی مرتکب بزه و رفتار انحرافی می‌شوند و بزهکاری آنان در مقایسه با بزرگسالان از پیچیدگی کمتر و سادگی بیشتری برخوردار است (شاملو، ۱۳۹۰: ۱۱۵). سیگل^۲ و ولش^۳ درباره وجه تمایز رفتار مجرمانه از رفتار بزهکارانه، به سن فرد اشاره می‌کنند و افرادی را بزهکار می‌نامند که در سن کمتری از سن قانونی مرتکب اعمال غیرقانونی می‌شوند (سیگل و ولش، ۱۳۹۳: ۱۰). باتوجه به پیچیدگی مسئله بزهکاری نوجوانان می‌توان گفت که هیچ‌یک از نظریه‌های انحرافات از چنان جامعیتی برخوردار نیستند که بتوان

1. Carswell,

2. Siegel

3. Welsh

براساس آن تمایل نسل نوجوان جامعه را برای بزهکاری تبیین کرد. از این رو چنانچه این مسئله به صورت علمی و عینی بررسی شود، ناگزیر باید به تلفیق جنبه‌های همگرایی نظریه‌های موجود پرداخت؛ بنابراین، چشم‌انداز نظری پژوهش حاضر، به طور ترکیبی و مبتنی بر نظریه کاشت جرج گرینر^۱ و نظریه یادگیری اجتماعی است که هر دوی آن‌ها از نظریه‌های حوزه علوم اجتماعی هستند. نظریه کاشت، زیرمجموعه نظریه‌های جامعه‌شناسی ارتباطات و نظریه یادگیری در زمره نظریه انحراف اجتماعی است و هر دو به تأثیرگذاری محیط بر فعالان انسانی معتقدند. نظریه کاشت نیز بر کنش متقابل رسانه‌ها و مخاطبان، همچنین آثار تدریجی و درازمدت محتوای رسانه بر شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطبان از دنیای اطراف و مفهوم‌سازی آنان از واقعیت اجتماعی تأکید می‌کند. گرینر معتقد است، پیام‌های رسانه بر رفتار، باورها، ارزش‌ها یا نگرش فرد تأثیر می‌گذارد و احتمال این تأثیرپذیری برای کسانی افزایش می‌یابد که مقدار هنگفتی از وقت خود (بیشتر از دو ساعت در روز) را به رسانه‌ها اختصاص می‌دهند (هامرستر و بروک، ۱۳۸۴: ۲۶۱).

در این فرضیه میزان توجه به پیام‌های رسانه T متغیر مستقلی است که در میان تماشاگران پرمصرف به ایجاد هماهنگی در نگرش‌ها و گرایش‌ها انجامیده (مهدی‌زاده و خسروی، ۱۳۸۸: ۹۵) و یکی از اشکال تأثیر رسانه‌ها در مقیاس شناختی و مربوط به این موضوع است که قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها تا چه حد باورها و تلقی عموم را از واقعیت خارجی شکل می‌دهد (عدلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲). طبق این دیدگاه، چنین نتیجه گرفته می‌شود که در نهایت به دلیل استفاده مکرر مخاطبان از رسانه و محتوای خاص آن (در ایجاد محتوای نامطلوب)، این رسانه‌ها جهان‌بینی مشترکی را در افراد ایجاد می‌کنند و احتمال تأثیرپذیری آن‌ها را نیز افزایش می‌دهند. این نکته انکارناپذیر است که رسانه‌ها به واسطه کششی که دارند، عمیقاً از نظر روحی و تربیتی بر افراد اثر می‌گذارند؛ بنابراین هرگاه برنامه و محتوای رسانه، مطالب مفید اجتماعی و تربیتی را در برداشته باشد، کودکان و نوجوانان را از همان سال‌های نخست زندگی به سمت اهداف عالی و انسانی رهبری خواهند کرد. برعکس، چنانچه محتوای رسانه مضامین خشن، قتل، کشتار و ترویج ناهنجاری‌ها را در بر بگیرد، روح ماجراجویی و درنده‌خویی را در آن‌ها بیدار می‌کند و از آن‌ها عوامل مخرب و ضداجتماعی خواهند ساخت. میزان تأثیرپذیری افراد نیز براساس میزان قرارگیری آن‌ها در معرض محتوای رسانه‌ها متفاوت است. همان‌طور که طبق اعتقاد گرینر، مخاطبان پرمصرف محتواهای نامطلوب رسانه بیشتر از آن تأثیر می‌گیرند.

در موضوع بزهکاری و انحراف اجتماعی، تمام صاحب‌نظران مطرح‌کننده موضوع یادگیری

اجتماعی بر این باور هستند که کج رفتاری و هم‌نوایی، طی فرایندهای مشابه یاد گرفته می‌شوند. نظریه هم‌نشینی افتراقی ادوین ساترلند، مشهورترین نظریه از مجموع نظریه‌های جامعه‌پذیری یا یادگیری در مباحث کج‌روی اجتماعی است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۴۳). نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه‌ای فرایندی محسوب می‌شود و هدف این‌گونه نظریه‌ها، کشف چگونگی تأثیرات اجتماعی شکل‌دهنده رفتار افراد در طول زمان است. نظریه‌های فرایندی فرض می‌کنند رابطه‌ای متقابل و اساسی بین محیط فرد و رفتار مجرمانه وجود دارد (ویتو، ۱۳۸۴: ۱۷۶). همچنین نظریه یادگیری اجتماعی به‌صورت نظریه‌ای فرایندی بر روی جامعه‌پذیری و پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای نادرست تمرکز می‌کند. در حقیقت، افراد جامعه‌پذیر می‌شوند؛ اما جامعه‌پذیری آن‌ها برای پذیرش هنجارها و ارزش‌های مجرمانه است. پیوند افتراقی به ابعاد هنجاری و رفتاری تعامل اجتماعی اشاره می‌کند (Lersch, 1999: 103) که بدنه اصلی مفهوم پیوند افتراقی از ساترلند گرفته شده است. ساترلند بیان می‌کند که رفتارهای غیرمعارف، مانند رفتارهای متعارف توسط ارتباط با دیگران یاد گرفته می‌شوند. پیوند افتراقی را به رفیق بد نمی‌توان تقلیل داد؛ زیرا در واقع پیوند افتراقی جزئی از یادگیری اجتماعی شامل تأثیر اعضای خانواده و گروه‌های هم‌تایان صمیمی و گروه‌های ثانویه مانند معلمان مدرسه، خانواده، شخصیت‌های مقتدر و همچنین گروه‌های اجتماعی مجازی مانند رسانه‌های اجتماعی و تلفن همراه و... است (اکر و جنینگ، ۱۳۸۸: ۳۲۴-۳۳۰).

گذشته از آن، پیوندهای افتراقی از نظر تکرار، طول مدت، ترجیح و شدت متفاوت هستند. اگر فردی به‌طور متفاوتی با بیشتر کسانی در ارتباط باشد که در رفتارهای انحرافی و مجرمانه درگیر شده‌اند یا گرایش‌های شبه مجرمانه از خود نشان می‌دهند، احتمال بیشتری دارد که به این رفتارهای مجرمانه درگیر شوند. در مقابل اگر شخصی بیشتر با افرادی در ارتباط باشد که در رفتارها و گرایش‌های انطباقی شرکت دارند، او به احتمال زیاد از شرکت در رفتارهای مجرمانه خودداری می‌کند و در عوض در جنبه مثبت رفتارهای اجتماعی مشارکت می‌کند. به اعتقاد ساترلند، نوجوانان در فرایند یادگیری اجتماعی از رفتار دیگران تقلید می‌کنند و از طریق رسانه‌ها برخی از رفتارهای بزهکارانه نظیر پرخاشگری و خشونت را می‌آموزند. رفتارهایی که رسانه‌ها به تصویر می‌کشند، بر چگونگی رفتار مخاطبان اثر می‌گذارد. همچنین، هنگامی که بازیگران فیلم‌ها و سریال‌های خشن در رسانه‌های تصویری به شکل گروه‌های مرجع جوانان عمل می‌کنند، نوجوانان از بزهکاری ملایم مانند تخریب اموال مدرسه به طرف بزهکاری شدید مانند ضرب و جرح، سوق پیدا می‌کنند (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۴۳).

روش پژوهش

روش این تحقیق کمی بوده و داده‌های آن از طریق انجام یک پیمایش گردآوری و از پرسشنامه به صورت ابزار پژوهش استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، نوجوانان دانش‌آموز بین ۷ تا ۱۸ سال و ساکن پنج منطقه جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز از شهر تهران در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای است که از میان این خوشه‌ها، تعداد ۲/۴۲۲/۹۰۵ به صورت تصادفی انتخاب شدند. طبق فرمول کوکران باید ۳۸۴ نمونه، از جامعه آماری فوق مورد مطالعه قرار می‌گرفت و برای سنجش میزان روایی و پایایی متغیرهای تحقیق از روش اعتبار صوری، تحلیل عاملی تأییدی و آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین صورت در سنجش اعتبار صوری پرسشنامه از طریق اساتید مرتبط عمل شده، همچنین برای روایی سازه‌ای از تحلیل عاملی تأییدی جهت سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است. در جدول زیر تعداد گویه‌ها و نتایج تحلیل عاملی تأییدی (KMO) و آلفای کرونباخ آمده است.

ردیف	نام متغیر	تعداد گویه	مقدار KMO	مقدار آلفای کرونباخ
۱	بزهکاری آنلاین	۵	۰/۹۰	۰/۸۹
۲	میزان آگاهی و شناخت از فضای مجازی	۵	۰/۷۰	۰/۷۲
۳	سبک زندگی (اوقات فراغت و میزان استفاده از فضای مجازی)	۱۰	۰/۸۳	۰/۸۸
۴	کنترل و نظارت خانواده	۵	۰/۸۴	۰/۸۳
۵	متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنسیت، درآمد خانواده و مقطع تحصیلی)	۴	۰/۸۵	۰/۸۴

برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از نرم‌افزارهای آماری SPSS و انواع آمارهای توصیفی و استنباطی جهت توصیف پاسخگویان و همچنین تبیین روابط بین متغیرهای تحقیق استفاده خواهد شد.

یافته‌های پژوهش

در این مقاله یافته‌ها شامل دو بخش توصیفی و تحلیلی است. یافته‌های توصیفی بیانگر این است که ۲۰۰ نفر (۵۲ درصد) از پاسخگویان پسر و ۱۸۴ نفر (۴۸ درصد) نیز دختر بوده‌اند. از نظر مقطع تحصیلی نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که ۴۶ درصد در مقطع متوسطه اول، ۴۹ درصد در مقطع متوسطه دوم از آن‌ها تحصیلات دیپلم و ۵ درصد نیز در مقطع

ابتدایی (کلاس‌های پنجم و ششم) بوده‌اند. از نظر میزان درآمد خانواده ۲۷/۳ درصد از پاسخگویان درآمد خانواده خود را زیر دو میلیون تومان، ۳۸/۷ درصد بین دو تا چهار میلیون تومان، ۲۰/۳ درصد از چهار تا شش میلیون تومان و ۱۳/۷ درصد نیز بالای شش میلیون اعلام کردند.

میزان آگاهی و شناخت از فضای مجازی

میانگین میزان آگاهی و شناخت از فضای مجازی ۴۹/۴۳ انحراف استاندارد ۵/۷۰۰۲ است. در واقع می‌توان گفت شناخت پاسخگویان از نحوه کار با شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، جست‌وجو در سایت‌ها و آشنایی با مخاطرات این فضا، همچون هک کردن و کلاهبرداری و... در حد متوسط است. همان‌گونه که در جدول ۱ زیر مشاهده می‌شود ۱۳/۴ درصد از پاسخگویان دارای شناخت کم، ۵۲/۱ درصد شناخت متوسط و تنها ۳۴/۵ درصد از آن‌ها دارای شناخت و آگاهی زیاد بودند.

جدول ۱. میزان آگاهی و شناخت از فضای مجازی

انحراف استاندارد	میانگین	درصد	میزان آگاهی و شناخت از فضای مجازی
۵/۷۰۰۲	۴۹/۴۳	۱۳/۴	کم
		۵۲/۱	متوسط
		۳۴/۵	زیاد
		۱۰۰	کل

میزان استفاده از فضای مجازی در اوقات فراغت

میانگین متغیر سبک زندگی (میزان استفاده از فضای مجازی در اوقات فراغت) ۵۹/۶۱ و انحراف استاندارد ۱۵/۴۲۰۱ است. به عبارت دیگر، میزان استفاده از فضای مجازی بالاتر از حد متوسط است. چنانچه داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد ۶۱/۷ درصد از پاسخگویان به میزان متوسط، یعنی بین یک تا سه ساعت در روز از فضای مجازی استفاده می‌کنند. ۱۳/۳ درصد نیز گفتند به مقدار کم و کمتر از یک ساعت در روز از فضای مجازی استفاده می‌کنند و در نهایت یک چهارم پاسخگویان (۲۵ درصد) اعلام کرده‌اند که بیش از سه ساعت در روز از فضای مجازی استفاده می‌کنند.

تبیین عوامل مرتبط با تمایل به بزهکاری در شبکه‌های اجتماعی [۱۰۰]

جدول ۲. میزان استفاده از فضای مجازی در اوقات فراغت

رضایت	درصد	میانگین	انحراف استاندارد
کم (کمتر از یک ساعت در روز)	۱۳/۳	۵۹/۶۱	۱۵/۴۲۰۱
متوسط (بین یک تا سه ساعت در روز)	۶۱/۷		
زیاد (بیش از سه ساعت در روز)	۲۵		
کل	۱۰۰		

کنترل و نظارت خانواده

میانگین متغیر کنترل و نظارت خانواده ۴۲/۴۱ و انحراف استاندارد ۱۳/۴۰۰۴ است. بدین منظور، کنترل و نظارت خانواده بر استفاده فرزندان از فضای مجازی کمتر از حد متوسط است. براساس داده‌های جدول، والدین ۴۲/۳ درصد از پاسخگویان به میزان متوسط بر استفاده فرزندان از فضای مجازی نظارت دارند. ۴۱/۲ درصد نیز گفتند که والدینشان به مقدار کم بر استفاده آن‌ها از فضای مجازی کنترل و نظارت دارند و در نهایت اینکه، تنها ۱۶/۵ درصد اعلام کردند که نظارت والدینشان بر استفاده آنان از فضای مجازی زیاد است.

جدول ۳. کنترل و نظارت خانواده

رضایت	درصد	میانگین	انحراف استاندارد
کم	۴۱/۲	۴۲/۴۱	۱۳/۴۰۰۴
متوسط	۴۲/۳		
زیاد	۱۶/۵		
کل	۱۰۰		

رفتار بزهکارانه در فضای مجازی (بزهکاری آنلاین)

میانگین متغیر بزهکاری آنلاین ۴۳/۷۱ و انحراف استاندارد ۱۴/۳۲۰۲ است. در واقع میزان بزهکاری پاسخگویان در فضای مجازی پایین‌تر از حد متوسط است؛ البته بیشتر بزهکاری‌ها مربوط به جست‌وجوی سایت‌های پورنوگرافی، مزاحمت برای دختران و پسران از طریق پیام و کامنت به‌ویژه در اینستاگرام بوده است. داده‌های به‌دست‌آمده بیانگر این است که تنها ۱۴/۶ درصد پاسخگویان گفتند که به مقدار زیاد مرتکب رفتارهای بزهکارانه در فضای مجازی شدند. ۳۸ درصد نیز به مقدار کم و ۴۷/۴ درصد نیز به‌طور متوسط مرتکب رفتارهای بزهکارانه می‌شوند.

جدول ۴. بزهکاری آنلاین

انحراف استاندارد	میانگین	درصد	رضایت
۱۴/۳۲۰۲	۴۳/۷۱	۳۸	کم
		۴۷/۴	متوسط
		۱۴/۶	زیاد
		۱۰۰	کل

تحلیل رگرسیون چندمتغیره و آزمون فرضیات

ابتدا تحلیل رگرسیون چندمتغیره انجام می‌شود، سپس براساس نتایج جدول رگرسیون سرانجام فرضیات پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرند.

جدول ۵. تحلیل واریانس متغیرهای تحقیق

معناداری	F مقدار	میانگین	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
۰/۰۰۱	۴/۱۴۶	۱۶۵۸/۳۳۲	۷	۱۱۶۰۸/۳۲۶	رگرسیون
		۳۹۹/۹۴۴	۳۱۹	۱۲۷۵۸۱/۹۹۱	باقی‌مانده
			۳۲۶	۱۳۹۱۹۰/۳۱۷	کل

پیش‌بینی‌کننده‌ها (ثابت): جنس، سن، درآمد خانواده، مقطع تحصیلی، میزان آگاهی و شناخت، سبک زندگی (میزان استفاده از فضای مجازی و...) و کنترل و نظارت خانواده. متغیر وابسته: میزان ارتکاب رفتارهای بزهکارانه در فضای مجازی (بزهکاری آنلاین) در جدول فوق متغیرهای جنس، سن، درآمد خانواده، مقطع تحصیلی، میزان آگاهی و شناخت، سبک زندگی (میزان استفاده از فضای مجازی و...)، کنترل و نظارت خانواده و متغیر وابسته میزان ارتکاب رفتارهای بزهکارانه در فضای مجازی (بزهکاری آنلاین) بررسی شد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که مدل رگرسیون قادر به تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته است. سطح معناداری در ستون آخر جدول (sig) نشان می‌دهد که مقدار به‌دست‌آمده ۰/۰۰۱ است. این عدد نشان‌دهنده مدل رگرسیونی قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته بزهکاری آنلاین است. به عبارت دیگر، دست کم یکی از متغیرهای مستقل جنس، سن، درآمد خانواده، مقطع تحصیلی، میزان آگاهی و شناخت، سبک زندگی (میزان استفاده از فضای مجازی و...) و کنترل و نظارت خانواده قادر به پیش‌بینی تغییرات تمایل به بزهکاری از طریق شبکه‌های اجتماعی است.

تبیین عوامل مرتبط با تمایل به بزهکاری در شبکه‌های اجتماعی [...]

جدول ۶. اطلاعات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	مقدار t	معناداری
	بتا	خطای استاندارد	بتا		
مقدار ثابت	۵۵/۶۹۷	۱۱/۴۳۲	۰/۲۳	۵/۳۴۰	۰/۰۰۰
جنس	۰/۵۸۳	۰/۱۱۹	۰/۲۴	۰/۱۸۴	۰/۰۰۳
سن	۰/۲۴۰	۰/۰۹۹	۰/۱۳۷	۲/۴۳۱	۰/۰۱۶
مقطع تحصیلی	۲/۲۳۵	۱/۱۹۴	۰/۱۲۹	۱/۸۷۲	۰/۰۶۲
درآمد خانواده	۰/۰۹۳	۰/۰۷۷	۰/۰۷۱	۱/۲۰۴	۰/۲۳۰
میزان آگاهی از فضای مجازی	۰/۲۴۷	۰/۰۵۶	-۰/۲۵	-۴/۳۲۳	۰/۰۰۱
سبک زندگی (استفاده از فضای مجازی در اوقات فراغت)	۰/۱۲۴	۰/۴۷	۰/۱۲۹	۲/۴۰۱	۰/۰۱۰
کنترل و نظارت خانواده	-۰/۳۴	۰/۰۵۹	-۰/۲۱	۰/۴۳۳	۰/۰۰۱

فرضیه اول: میزان بتای استاندارد برای متغیر سبک زندگی حدود ۰/۳۰ است که با سطح خطای ۰/۰۱۰ بیانگر معنادار بودن آن است؛ بنابراین می‌توان گفت که با تغییر یک انحراف استاندارد در متغیر سبک زندگی ۰/۳۰ انحراف استاندارد در متغیر بزهکاری آنلاین تغییر ایجاد می‌شود. پاسخگویانی که از فضای مجازی در اوقات فراغت خود بیشتر استفاده می‌کنند بیشتر مرتکب بزهکاری آنلاین می‌شوند. سطح معناداری آماره T در این متغیر نیز بیانگر تأیید فرضیه اول است؛ یعنی بین سبک زندگی و میزان ارتکاب رفتار بزهکارانه در فضای مجازی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: میزان بتای استاندارد برای متغیر میزان آگاهی از فضای مجازی ۰/۲۵- است که با سطح خطای ۰/۰۰۱ بیانگر معنادار بودن آن است؛ لذا می‌توان گفت که با تغییر یک انحراف استاندارد در متغیر میزان آگاهی از فضای مجازی ۰/۲۵- انحراف استاندارد در متغیر بزهکاری آنلاین تغییر ایجاد می‌شود. پاسخگویانی که آگاهی و شناخت بیشتری از فضای مجازی دارند، کمتر مرتکب بزهکاری آنلاین می‌شوند. سطح معناداری آماره T در این متغیر نیز بیانگر تأیید فرضیه دوم است؛ یعنی بین میزان آگاهی از فضای مجازی و میزان ارتکاب رفتار بزهکارانه در فضای مجازی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: میزان بتای استاندارد برای متغیر کنترل خانواده ۰/۲۱- است که با سطح خطای ۰/۰۰۱ بیانگر معنادار بودن آن است؛ بنابراین می‌توان گفت که با تغییر

یک انحراف استاندارد در متغیر کنترل خانواده ۰/۲۱ - انحراف استاندارد در متغیر بزهکاری آنلاین تغییر ایجاد می‌شود. پاسخگویی که خانواده‌هایشان کنترل بیشتری بر استفاده آن‌ها از فضای مجازی دارند به میزان کمتری مرتکب بزهکاری آنلاین می‌شوند. سطح معناداری آماره T در این متغیر نیز بیانگر تأیید فرضیه سوم است؛ یعنی بین کنترل خانواده و میزان ارتکاب رفتار بزهکارانه در فضای مجازی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: اطلاعات مربوط به متغیرهای مستقل (پیش‌بین) در جدول بالا آمده است. میزان بتای استاندارد برای متغیر سن ۰/۱۳۷ است که با سطح خطای ۰/۰۱۶ بیانگر معنادار بودن آن است؛ لذا می‌توان گفت که با تغییر یک انحراف استاندارد در متغیر سن ۰/۱۳۷ انحراف استاندارد در متغیر بزهکاری آنلاین تغییر ایجاد می‌شود. پاسخگویان در سنین بالاتر بیشتر مرتکب بزهکاری آنلاین می‌شوند. سطح معناداری آماره T در این متغیر بیانگر تأیید فرضیه چهارم است؛ یعنی بین سن با میزان ارتکاب رفتار بزهکارانه در فضای مجازی رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به مثبت بودن مقدار بتا، بدان معنا است که دانش پاسخگویان هرچه قدر از لحاظ سنی بزرگتر می‌شوند، بیشتر مرتکب رفتار بزهکارانه در فضای مجازی خواهند شد.

در خصوص متغیر جنس در فرضیه چهارم، همان‌طور که داده‌ها نشان می‌دهد مقدار بتای استاندارد متغیر جنس ۰/۲۴ است. این مقدار معنادار بوده و نشان می‌دهد که بین دختران و پسران از نظر میزان بزهکاری آنلاین تفاوت وجود دارد؛ بنابراین وجود رابطه معنادار بین جنسیت و میزان ارتکاب رفتار بزهکارانه در فضای مجازی تأیید می‌شود. با توجه به اینکه سطح معناداری مقدار T بزرگتر از ۰/۰۵ است، بخشی از فرضیه چهارم درباره متغیر درآمد و مقطع تحصیلی محقق نمی‌شود. در واقع بین دو متغیر درآمد و مقطع تحصیلی با میزان ارتکاب بزهکاری آنلاین رابطه معنادار وجود ندارد. دو نکته در اینجا مطرح است، نکته اول افراد معمولاً از گفتن حقیقت درباره میزان درآمد خودداری می‌کنند؛ بنابراین ممکن است پاسخگویان درآمد واقعی خانواده خود را نگفته باشند. همچنین عدم تفاوت در بین مقاطع مختلف تحصیلی از نظر میزان بزهکاری آنلاین می‌تواند به این معنا باشد که پاسخگویان در هر مقطع تحصیلی ممکن است مرتکب بزهکاری آنلاین بشوند.

نتیجه‌گیری

نسل‌های جدید به‌ویژه در سنین نوجوانی و اوایل جوانی به‌شدت با دنیای اینترنت و فضای مجازی درآمیخته هستند. اینترنت، کامپیوتر، موبایل و تبلت بخشی جدایی‌ناپذیر از

زندگی آن‌ها است. غیر از جنبه‌های سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت، فضای مجازی برای زندگی امروزی کاربردی است. بسیاری از ارتباطات درسی و رفع بخش زیادی از نیازهای نوجوانان و دانش‌آموزان در فضای مجازی رخ می‌دهد. از این رو، نمی‌توان آن‌ها را از ورود به دنیای مجازی جلوگیری کرد. آنچه لازم است هدایت، نظارت و آموزش نسل نوجوان برای استفاده بهینه از فضای مجازی است.

امروزه اینترنت به چاقوی جراحی می‌ماند. از یک سو می‌توان از آن برای ارتقای فکری، فنی، رشد و توسعه خلاقیت‌ها و استعدادها و نوجوانان استفاده کرد و از سوی دیگر این فضا می‌تواند موجب انحطاط رفتاری و اخلاقی و بروز انواع بزهکاری‌های آنلاین شود. در این تحقیق نشان داده شد که میزان استفاده از فضای مجازی در اوقات فراغت دارای ارتباط معنادار با رفتار بزهکارانه است. نباید دسترسی و استفاده نوجوانان از فضای مجازی نامحدود باشد. آن‌ها باید به شکلی حساب‌شده و صرفاً به اندازه نیاز در فضای مجازی وقت بگذرانند. به‌ویژه اینکه میزان کنترل والدین با رفتار بزهکارانه در فضای مجازی نیز ارتباط معناداری دارد. این دو متغیر با هم می‌توانند رفتار بزهکارانه را کاهش دهند. از یک طرف والدین با نظارت و کنترل درست خود اجازه استفاده‌های نامناسب را به نوجوانان نمی‌دهند و از طرف دیگر دسترسی آن‌ها را نیز محدود می‌کنند تا نوجوان بیش از حد، وقت صرف فضای مجازی نکند. در تحلیل این یافته‌ها، مطابق با نظریه کاشت باید گفت شیوه بازنمایی بسیاری از محتواها توسط شبکه‌های اجتماعی در قالب رسانه، دارای اهمیت و جالب توجه است. به نوعی که شبکه‌های اجتماعی با انعکاس برخی انحرافات و شیوه‌های گوناگون ارتکاب جرم، می‌توانند در تمایل به بزهکاری در میان نوجوانان مؤثر باشند.

نکته مهم‌تر میزان آگاهی از فضای مجازی است. در پرسشنامه این مقاله میزان آشنایی پاسخگویان با قوانین و مقررات، مصادیق مجرمانه در فضای مجازی و همچنین آشنایی با ضرورت‌های فنی کار در این فضا بررسی می‌شود. نوجوانان به میزانی که نسبت به قوانین و مقررات آگاهی داشته باشند، کمتر سراغ رفتارهای بزهکارانه می‌روند؛ بنابراین پیش از هر چیز باید نوجوانان را درباره فضای مجازی آموزش داد و همه جوانب مثبت و منفی و پیامدهای فعالیت در فضای مجازی را برای آن‌ها توضیح داد. همچنین یافته‌های پژوهش در خصوص بزهکاری آنلاین براساس نظریه یادگیری اجتماعی حاکی از این واقعیت است که نوجوانان رفتارهای بزهکارانه از گروه‌های مختلفی همچون گروه همسالان و محیط حاکم بر شبکه‌های اجتماعی فرا می‌گیرند.

منابع و مآخذ

- احمدی، حبیب (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی انحراف. تهران: انتشارات سمت.
- اطه‌ری، اسدالله، یغموری، مریم (۱۳۹۵). تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تعاملات اجتماعی نوجوانان دختر مدارس غیرانتفاعی آموزش و پرورش منطقه یک. *اسلام و علوم اجتماعی*، ۸ (۱۵).
- پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان سال (۱۳۹۲). مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان.
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده (۱۳۹۸). مواجهه با محتوای خارج عرف جنسی در اینترنت و فضای مجازی و تأثیر آن بر رفتار جنسی. *خانواده‌پژوهشی*، ۱۵ (۵۷).
- رسول‌زاده اقدم، صمد، میرمحمدتبار، سید محمد، افشار، سیمین، عدلی‌پور، علی (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای رسانه‌های اجتماعی بر ارزش‌های جوانان ایرانی. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۵ (۱۷)، ۹۴-۶۵.
- رهگشا، امیرحسین، موسوی، سید ایمان، علوی اردکانی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۸). پیشگیری رشدمدار از بزهکاری کودکان و نوجوانان در فضای سایبر. *ماهنامه آفق علوم انسانی*، ۱۰ (۱).
- سبحانی‌نژاد، مهدی، پورطهماسبی، سیاوش، تاجور، آذر (۱۳۸۸). چالش‌ها و کارکردهای فرهنگی و اجتماعی تلفن همراه و راهکارهای اصلاح آن. *مهندسی فرهنگی*، ۳۱ (۳۲-۳۱).
- شاملو، باقر (۱۳۹۰). عدالت کیفری و اطفال. تهران: انتشارات سمت
- صدیق سروسناتی، رحمت‌الله (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحراف). تهران: انتشارات سمت.
- عبدالرحمانی، علیرضا، حکیمی‌نیا، بهزاد، باقری، امیرسعید، سپیانی، مریم (۱۳۹۷). نقش شبکه‌های اجتماعی موبایلی در وقوع جرائم اخلاقی. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۱۳ (۳).
- عدلی‌پور، صمد، قاسمی، وحید، میرمحمدتبار، سیداحمد (۱۳۹۳). تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر هویت فرهنگی جوانان شهر اصفهان. *فصلنامه علمی و پژوهشی تحقیقات فرهنگی*، ۷ (۱)، ۲۸-۱.
- علی‌اکبری، نگین، نصیری زرنندی، زینب (۱۳۹۸). تأثیر فضای مجازی بر آسیب‌های اجتماعی. *پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی*، ۱۶ (۱۶).
Doi: <https://doi.org/10.7508/ijcr.2014.25.001>
- فرامرزیانی، سعید، هاشمی، شهناز، فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۹۵). نقش شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه بر ارزش‌های اجتماعی (مطالعه موردی جوانان و میان‌سالان ساکن در شهرهای پنج استان کشور). *پژوهش‌های ارتباطی*، ۲۳ (۸۷)، ۱۱۳-۱۱۳.
Doi: <https://doi.org/10.22082/cr.2016.23262>
- فرهمندپور، مریم (۱۳۸۷). دختران و کاربرد اینترنت. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۱ (۴۱).
- کرد علی‌وند، روح‌الدین، محمدی، مهدی، میرزایی، محمد (۱۳۹۵). گونه‌شناسی جرایم سایبری در قانون جرایم رایانه‌ای و گزارشی مختصر از وضعیت بزهکاری سایبری با تکیه بر آمار پلیس فتا. کتاب مجموعه مقالات اولین همایش مقابله با جرایم سایبری، چالش‌ها و راهکارها، تهران، پلیس فضای تبادل و تولید اطلاعات ناجا.
- مهدی‌زاده، شراره، خسروی، وحیده (۱۳۸۸). بررسی میزان تماشای ماهواره و تأثیر آن بر سبک زندگی. *مجله جامعه‌شناسی معاصر*، ۱ (۲)، ۱۰۴-۸۸.
- هنسون، بیلی (۱۳۹۳). مزاحمت در فضای مجازی. *دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم*، ترجمه فاطمه قناد، زیر نظر علی‌حسین نجفی ابراندآبادی، جلد اول، نشر میزان.

تبیین عوامل مرتبط با تمایل به بزهکاری در شبکه‌های اجتماعی [...]

- Akers, R. L. & Jennings, W. (2009). Social learning theory. In J. Miller, *Criminology A Reference Handbook*. sage.
- Carswell, S. B. (2007). *Delinquency among African American youth: Parental attachment, socioeconomic status and peer relationships*. LFB Scholarly Publishing.
- Hammermeister, J. & Brock, B. (2005). Life Without TV? Cultivation Theory and Psychosocial Health Characteristics of Television-Free Individuals and Their Television-Viewing Counterparts. *Health Communication*, 17(3), 253-264.
- Lersch, K.M. (1999). Social Learning Theory and Academic Dishonesty. *International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice*, 23(1), 103-114.
- Siegel, L. & Welsh, B. (2014). *Juvenile delinquency: Theory, practice, and law*. Cengage Learning.
- Vito, Gennaro F. Maahs, Jeffrey, R. Holmes, Ronald M. (2005). *Criminology: Theory, research, and policy*. Jones & Bartlett Learning.
- Webb, E. (2007). Delinquency: the Role of the Paediatrician. *Paediatrics and Child Health*, 17(11), 439-442.

